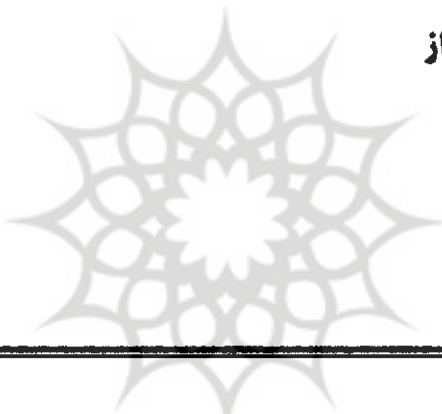


## آثار فقدان پدر

مروری بر یافته‌های پژوهشی در ایران و سایر کشورهای جهان

بهنام مکوندی، بهمن نجاریان، فاطمه لیامی

دانشگاه شهید چمران اهواز



### چکیده:

مقاله‌ی حاضر به منظور مروری بر آثار تحصیلی، شناختی و شخصیتی - رفتاری ناشی از فقدان پدر در متون روانشناسی ایران و سایر کشورهای جهان به رشته تحریر درآمده است. همچنین، در این نوشتار نقش عوامل تعدیل کننده (مانند سن و جنس) در تأثیر فقدان پدر روی حیطه‌های مختلف زندگی کودکان مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. اگر چه نتایج اکثر یافته‌های پژوهشی در خارج از کشور نشان دهنده‌ی وجود آثار منفی فقدان پدر بر اعضای خانواده به ویژه فرزندان پسر می‌باشد، دستاوردهای تحقیقات انجام شده در ایران (به ویژه خوزستان)، با توجه به حمایت‌های ارائه شده از سوی جامعه (به خصوص واحد فرهنگی بنیاد شهید) از خانواده‌ی شهید، تا حدودی با یافته‌های تحقیقات خارج از کشور متفاوت می‌باشد. در این نوشتار، ضمن تأکید بر ضرورت و اهمیت تداوم پژوهش‌های گسترده‌تر و جامع‌تر در این حیطه، رهنمودهایی عملی برای ارتقای کیفی پژوهش‌های آتی ارائه شده است.

مقدمه:

پدر و مادر دو رکن اساسی خانواده هستند که با بوجود آوردن محیطی امن و سالم رشد روانی فرزند خود را میسر می‌سازند (پاریش<sup>۱</sup> و کاپلان<sup>۲</sup>، ۱۹۸۰)، و لذا عدم حضور هر يك از والدین در محیط خانواده، تعادل آن را برهم زده و آثار سویی بر رشد طبیعی فرزندان می‌گذارد (شین<sup>۳</sup>، ۱۹۷۸). ادعا شده است که يك پنجم همه کودکان زیر ۱۸ سال در خانه‌هایی زندگی می‌کنند که پدر در آن حضور ندارد (بان<sup>۴</sup>، ۱۹۷۶، گلداشتاين<sup>۵</sup>، ۱۹۸۳)، و حداقل در امریکا، ۲۰ میلیون کودک در خانواده‌های تک والدی زندگی می‌کنند (روی<sup>۶</sup> و فوکوآ<sup>۷</sup>، ۱۹۸۳).

اگرچه غیبت پدر در خانواده می‌تواند ناشی از علل گوناگونی مثل طلاق یا جدایی، مرگ و مقتضیات شغلی (مانند خدمات نظامی) باشد (آدامز<sup>۸</sup> و همکاران، ۱۹۸۵)، مسئله تأثیر غیبت و فقدان پدر بر وجوه مختلف زندگی فرزندان، بیشتر در کشورهای که با جنگ و عوارض ناشی از آن روبرو بوده‌اند، مورد توجه روانشناسان قرار گرفته است. در این مقاله کوشش شده است که یافته‌های پژوهشی مربوط به آثار و عوارض مختلف فقدان پدر در خانواده‌های ایرانی (بویژه در خانواده‌های شاهد) و سایر کشورهای جهان، ارائه شود و مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

اهمیت نقش پدر:

مفهوم «فقدان» (یا «از دست دادن») جایگاه ویژه‌یی را در متون روان‌شناسی و روان‌پزشکی به خود اختصاص داده است (فروید<sup>۹</sup>، ۱۹۱۷، لیندی من<sup>۱۰</sup>، ۱۹۴۴، بولبی<sup>۱۱</sup>، ۱۹۶۰) در گذشته تحقیقات و مطالعات در این زمینه، صرفاً روی روابط مادر - نوزاد متمرکز بود، اما طی دهه‌های اخیر توجه محققین به آثار سایر فقدانها، از قبیل از دست دادن خانه (فرید<sup>۱۲</sup>، ۱۹۶۲) یا عضوی از بدن (پارکز<sup>۱۳</sup>، ۱۹۷۲) نیز معطوف شده است. به نظر می‌رسد که فقدان يك «ارتباط مهم ناشی از مرگ»، هم از نظر سلامت جسمی (مدیسون<sup>۱۴</sup> و ویولا<sup>۱۵</sup>، ۱۹۶۸، ریس<sup>۱۶</sup> و لتکینس<sup>۱۷</sup>، ۱۹۶۷) و هم سلامت روانی (پارکز، ۱۹۶۴) آثار منفی گسترده‌یی را در پی دارد. طی چند دهه‌ی اخیر عنوان غیبت و فقدان پدر توجه بسیاری از محققین علوم

تربیتی و روانشناسی را به خود جلب کرده و نتایج تحقیقات اجرا شده در این زمینه موجب تغییر و اصلاح دیدگاه‌های سنتی شده است (بیلر<sup>۱۸</sup>، ۱۹۷۱)، و به تأکید و توجه بیشتر بر نقش آموزشی پدر، و تأثیر وی در اجتماعی شدن کودک منجر گردیده است (بیلر و مری دیت<sup>۱۹</sup>، ۱۹۷۵).

محققین در مورد این که مادر یا پدر کدامیک بیشترین تأثیر را بر روابط آینده‌ی نوزاد می‌گذارد، اختلاف نظر دارند. بولبی (۱۹۵۸) روابط مادر - نوزاد را به مثابه پیش‌الگوی قامی روابط بعدی فرد معرفی می‌کند. در صورتی که به نظر میرلو<sup>۲۰</sup> (۱۹۶۸) پدر پل رابطه بین کودک و دنیای وسیع بیرونی بوده و الگویی برای بسیاری از روابط اجتماعی بعدی وی خواهد شد. از نظر سولیوان<sup>۲۱</sup> (۱۹۷۲) عدم همدلی پدر با فرزند مذکر موجب می‌شود که وی وابستگی شدیدی نسبت به مادر خود پیدا کند. رویهم رفته، بررسی‌های صورت گرفته در ارتباط با نقش پدر حاکی از آن است که واکنش کودک نسبت به حضور و غیبت پدر نیز شبیه واکنش او در برابر حضور و غیبت مادر است، با این تفاوت که وابستگی به پدر کندتر شکل می‌گیرد (کوتل چاک<sup>۲۲</sup>، ۱۹۷۶).

نتایج بررسی‌های گسترده شین (۱۹۷۸) معلوم ساخت که از بین ۲۸ مطالعه‌ی که به لحاظ روش تحقیق مناسب‌تر بوده‌اند، ۱۶ تحقیق آثار مضر و زیانبار غیبت پدر را نشان می‌دهد، ۹ تحقیق مبین هیچگونه اثر معنی‌داری نیست و سه تحقیق دیگر هیچ تأثیری (چه مثبت و چه منفی) نشان نمی‌دهد. در کل، شین چنین جمع‌بندی می‌کند که حجم وسیع مطالعات انجام گرفته شواهدی دال بر آثار زیانبار غیبت پدر بر عملکرد شناختی کودک ارائه می‌کند. همچنین وی نشان داد که مشکلات مالی، سطوح بالای اضطراب و بالاخص سطوح پایین تعامل والد - کودک در خانواده‌های تک‌والدی، از جمله مهمترین علل مشکلات روانی فرزندان چنین خانواده‌هایی می‌باشند. به منظور بررسی دقیق‌تر آثار گوناگون ناشی از فقدان پدر، نتایج تحقیقات انجام شده در این زمینه، به تفکیک حیطه‌های مربوطه یعنی آثار هوشی - شناختی، مشکلات تحصیلی، اختلالات رفتاری، مشکلات سازگاری و مشکلات خلقی ارائه می‌شوند.

#### الف - آثار هوشی - شناختی فقدان پدر:

استنلر<sup>۲۳</sup> (۱۹۵۹) نشان داد دانش‌آموزانی که با پدر و مادر خود زندگی می‌کردند نسبت به

دانش‌آموزان تک‌والدینی از هوش بالاتری برخوردار بودند، و پیشرفت تحصیلی بیشتری داشتند. ساترلند<sup>۲۴</sup> (۱۹۳۰) در مطالعه رابطه غیبت پدر با کنشهای شناختی فرزندان، نتیجه می‌گیرد که نمره‌های هوشی کودکان دارای پدر به طور معنی‌داری بالاتر از نمره‌های هوشی کودکان فاقد پدر است. داچ<sup>۲۵</sup> و برآونز<sup>۳۱</sup> (۱۹۶۴) نشان دادند که نمره‌ی دانش‌آموزان فاقد پدر در آزمونهای هوشی به طور معنی‌داری پایین‌تر از کسانی بود که پدر داشتند. از سوی دیگر، کورتز<sup>۳۲</sup> و فلمینگ<sup>۳۸</sup> (۱۹۶۸) نشان دادند که هیچ اختلاف هوشی معنی‌داری در میان سیاه‌پوستان کلاس چهارم که از نظر اقتصادی درآمدی پایین داشتند و در دوگروه دارای پدر و بدون پدر تقسیم شده بودند، وجود ندارد. در همین رابطه، هرزوک<sup>۳۹</sup> و سودیا<sup>۴۰</sup> (۱۹۷۳) ضمن بررسی تحقیقاتی که قبل از سالهای ۱۹۶۹ انجام شده بود، نتیجه می‌گیرند که شواهد موجود رویهم رفته فرضیه آثار نامطلوب غیبت پدر بر رشد شناختی کودک را تأیید نمی‌کند.

#### ب - مشکلات تحصیلی ناشی از فقدان پدر:

يك خانواده هسته‌ای نرمال، یکی از مهمترین عوامل مؤثر در رشد طبیعی کنشهای روان‌شناختی و پیشرفت تحصیلی کودکان تلقی می‌شود (کلی<sup>۳۱</sup> و والرستون<sup>۳۲</sup>، ۱۹۸۰، اتکینسون<sup>۳۳</sup> و اکستون<sup>۳۴</sup>، ۱۹۷۴). بسیاری از مطالعات روان‌شناختی در این زمینه، بررسی پیشرفت تحصیلی فرزندان خانواده‌های تک‌والدینی (که به علت طلاق یا مرگ پدر، کودک با مادر خود زندگی می‌کند) پرداخته‌اند. نتایج این پژوهشها نشان می‌دهد که فرزندان خانواده‌های عادی از نظر پیشرفت تحصیلی به طور معنی‌داری برتر از فرزندان خانواده‌های تک‌والدینی هستند (چاپمن<sup>۳۵</sup>، ۱۹۷۷، اشمن<sup>۳۶</sup> و مانوسوتیز<sup>۳۷</sup>، ۱۹۷۶، پاریش و دوستال<sup>۳۸</sup>، ۱۹۸۰، پاریش و تیلور<sup>۳۹</sup>، ۱۹۷۹، سانتروک<sup>۴۰</sup>، ۱۹۷۲).

کریسمبین<sup>۴۱</sup> (۱۹۶۵) دریافت که نمره‌های دانش‌آموزان فاقد پدر مدارس ابتدائی به طور معنی‌داری پایین‌تر از کودکان خانواده‌های عادی بود. پاریش و تیلور (۱۹۷۹) گزارش کردند که مطالعات مربوط به از دست دادن پدر بیانگر وجود برخی مشکلات آموزشی در فرزندان این قبیل خانواده‌ها می‌باشد، و هترینگتون<sup>۴۲</sup> و پارک<sup>۴۳</sup> (۱۹۷۵) ادعا کردند بچه‌هایی که پدرشان را از دست داده‌اند، مشکلات بیشتری در رابطه با انجام

تکالیف مدرسه دارند. بلانکارد<sup>۴۴</sup> و بیلر (۱۹۷۱) در تحقیقی بر روی ۴۴ دانش‌آموز پسر کلاس سوم که دارای هوش متوسط و از طبقات کارگر یا پایین‌تر بودند، عملکرد ضعیف‌تر کودکان فاقد پدر را در مقایسه با کودکان واجد پدر و مادر در مهارت‌های مربوط به خواندن و درک محتوایی ملاحظه نمودند. بین<sup>۴۵</sup>، بور ازما<sup>۴۶</sup> و چاپمن (۱۹۸۳) نشان دادند دانش‌آموزان فاقد پدر در زمینه خواندن به طور معنی‌داری پیشرفت کمتری نسبت به گروه واجد پدر داشتند، و پسران بدون پدر نیز به وجه معنی‌داری در املای لغات و ریاضیات نسبت به دختران بدون پدر عملکرد پایین‌تری داشتند.

گریگوری<sup>۴۷</sup> (۱۹۶۵)، یک گروه نمونه‌ی دبیرستانی را در مینه‌سوتای آمریکا مورد مطالعه قرار داد و چنین نتیجه گرفت که دانش‌آموزان واجد هر دو والد، در مقایسه با دانش‌آموزان تک‌والدینی، به نسبت بسیار بیشتری فارغ‌التحصیل شده‌اند. برخی از محققین چون اسمیت<sup>۴۸</sup> (۱۹۶۹)، نلسن<sup>۴۹</sup> و مک‌کابی<sup>۵۰</sup> (۱۹۶۶)، کالینز<sup>۵۱</sup> (۱۹۶۹)، هرزوغ (۱۹۷۴) و چاپمن (۱۹۷۷) اظهار می‌دارند که غیبت پدر موجب کاهش عملکرد ریاضی به خصوص در فرزندان پسر می‌شود. در همین راستا، اسمیت (۱۹۶۸) معتقد است که آثار تحصیلی محرومیت از پدر در پسران بیشتر از دختران نمودار می‌باشد.

انجمن ملی مدیران مدارس ابتدایی (NASEP) (۱۹۸۰) ادعا می‌کند که دانش‌آموزان خانواده‌های تک‌والدی به احتمال بیشتری نمره‌های «د» و «ه» می‌آوردند تا نمره‌های «الف»، «ب» و «ج». نتایج بعضی مطالعات به فقدان تعامل مثبت پدر - کودک در رابطه با افت تحصیلی عمومی این کودکان (گرانام<sup>۵۲</sup>، هارویتز<sup>۵۳</sup>، پرنیس<sup>۵۴</sup> و اسپری<sup>۵۵</sup>، ۱۹۶۲)، و مشکلات روانشناختی آنها اشاره کرده‌اند (کارل اسمیت<sup>۵۶</sup>، ۱۹۶۴). ساتن - اسمیت<sup>۵۷</sup>، روزنبرگ<sup>۵۸</sup> و لندی<sup>۵۹</sup> (۱۹۶۸) نشان دادند که نمره‌های آزمون ورود به دانشگاه گروهی از دانشجویان دختر و پسر که پدران‌شان طی دوران کودکی آنان برای دو سال یا بیشتر غیبت داشته‌اند، به طور معنی‌داری کمتر از نمره‌های آزمون ورودی سایر دانشجویان می‌باشد.

با توجه به این واقعیت که طی هشت سال جنگ عراق با ایران هزاران نفر جان خود را از دست داده‌اند، و این یافته که کودکان ایرانی پیوندهای هیجانی و عاطفی بسیار محکمی با والدینشان دارند (گلزاری، ۱۹۹۱)، کراراً در مورد پیشرفت تحصیلی و رشد روانی طبیعی این کودکان ایرانی که طی جنگ پدران‌شان را

از دست داده‌اند (دانش‌آموزان شاهد) نگرانی فزاینده‌یی ابراز شده است. بهزادی (۱۳۶۵) در بررسی وضعیت تحصیلی گروهی از فرزندان شهدا در دوره‌ی راهنمایی در مدارس شیراز نشان داد: ۱) اکثر شهدای آن منطقه قشر مستعطف جامعه بودند، ۲) سواد مادران اکثریت آزمودنیها در سطح ابتدایی بود، ۳) وضعیت تحصیلی پسران ضعیف‌تر از دختران بود، ۴) گذشت زمان و وضعیت شغلی پدر در موفقیت و شکست تحصیلی فرزندان شاهد اثر چندانی نداشته است، و ۵) سواد و میزان تحصیلات مادران و نیز سن در هنگام شهادت پدر در موفقیت و شکست تحصیلی آنان مؤثر بوده است. در این تحقیق دانش‌آموزان ناموفق در هنگام شهادت پدر در سنین بالاتری نسبت به دانش‌آموزان موفق بودند، و دانش‌آموزان موفق یا دارای مادران بی‌سواد بودند، و یا میزان تحصیلات مادران آنها پایین‌تر بود. در همین مورد، از سوی دیگر، خدیوی زند (۱۳۶۶) ادعا می‌کند که دشواریهای تحصیلی و رفتاری کودکان شهدا ناشی از شیوه‌های رفتاری و حالات روابط آنان با مادرانشان است.

سپهوندی، شکرکن، لیامی و مراقی (۱۳۶۶) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی مسائل و مشکلات تحصیلی، رفتاری (شخصیتی)، خانوادگی و اجتماعی فرزندان معظم شهدا، اسرا، مفقودین و جانبازان شهرستان اهواز»، یک نمونه ۳۰۰ نفری در سه مقطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را مورد مطالعه قرار دادند. تجزیه و تحلیل داده‌ها نتایج زیر را به دست داد: در مقاطع تحصیلی دبستان و راهنمایی ۳۸/۹ درصد دختران و ۳۰/۸ درصد پسران و در مقطع تحصیلی دبیرستان ۵۳/۹ درصد دختران و ۴۳/۵ درصد پسران پس از شهادت پدر دچار افت تحصیلی شده بودند. همچنین در زمینه علاقه‌مندی به ادامه‌ی تحصیل، نتایج این تحقیق نشان داد که در مقطع ابتدایی ۱۹ درصد پسران و ۲۲/۵ درصد دختران، در مقطع تحصیلی راهنمایی ۱۳/۵ درصد پسران و ۲۷/۸ درصد دختران، و در مقطع تحصیلی دبیرستان ۲۱/۷ درصد پسران و ۷/۷ درصد دختران، علاقه‌مند به ادامه تحصیل بودند. البته با توجه به این که پژوهش سپهوندی و همکاران (۱۳۶۶) گروه کنترل نداشته، یافته‌های آن باید با احتیاط بیشتری تفسیر شود چرا که ممکن است مسائل و مشکلات ملاحظه شده در عملکرد تحصیلی فرزندان شاهد، تحت تأثیر عوامل دیگری غیر از متغیر مورد ادعا (یعنی عدم حضور پدر) نیز باشد.

مکارمی، خدا رحیمی، پور عوض و همکاران (۱۳۷۰) عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر شاهد و غیر شاهد را در مقاطع تحصیلی پنجم ابتدایی و سوم راهنمایی مدارس شاهد و مدارس عادی شیراز مورد

بررسی قرار داده و به نتایج ذیل دست یافتند:

۱- پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان غیرشاهد به طور معنی‌داری بیشتر از دانش‌آموزان شاهد در هر دو پایه تحصیلی پنجم ابتدائی و سوم راهنمایی است.

۲- بین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان عادی مدارس شاهد و دانش‌آموزان شاهد این مدارس تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۳- پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان شاهد پراکنده در مدارس عادی بیشتر از دانش‌آموزان عادی مدارس عادی بود.

۴- پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان عادی مدارس عادی به طور معنی‌داری کمتر از دانش‌آموزان عادی مدارس شاهد بود.

۵- بین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان شاهد مدارس شاهد و دانش‌آموزان مدارس عادی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

نجاریان و قلخانی (۱۳۷۱) ضمن بررسی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مدارس راهنمایی شاهد اهواز، نشان دادند که معدل تحصیلی دانش‌آموزان شاهد به طور معنی‌داری پایین‌تر از دانش‌آموزان غیرشاهد مدارس شاهد است. عملکرد تحصیلی برجسته و متمایز دانش‌آموزان غیرشاهد در مدارس شاهد ممکن است ناشی از عواملی چند باشد که مهمترین آنها عبارتند از: ۱) چون معمولاً مدارس شاهد نسبت به مدارس عادی امکانات و فضای آموزشی بهتری دارند، بسیاری از خانواده‌های غیرشاهد ترجیح می‌دهند فرزندانشان را به این مدارس بفرستند، حتی اگر مجبور شوند تلاش زیادی برای ثبت‌نام فرزندانشان در این مدارس به عمل آورند. بنابراین، می‌توان فرض کرد که دانش‌آموزان غیرشاهد مدارس شاهد معرف جمعیت عمومی دانش‌آموزان نیستند، ۲) ممکن است معلمان مدارس شاهد با سوگیری منفی نسبت به دانش‌آموزان شاهد عملکرد تحصیلی فرزندان شاهد را به طور ناخودآگاه تضعیف نموده باشند و ۳) ممکن است دانش‌آموزان شاهد در حقیقت توان‌هوشی یا عملکرد تحصیلی ضعیف‌تری نسبت به دانش‌آموزان غیرشاهد مدارس شاهد داشته باشند. همچنین، در یک مطالعه جنبی، نجاریان و قلخانی (۱۳۷۱) ملاحظه نمودند که هیچ‌گونه تفاوت معنی‌داری بین عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان شاهد مدارس شاهد و دانش‌آموزان غیرشاهد مدارس عادی وجود ندارد.

نجاریان، سلیمانپور و لیامی زیر چاپ در تحقیقی تحت عنوان «بررسی عملکرد تحصیلی دانشجویان شاهد

دانشگاههای شهید چمران و علوم پزشکی اهواز « نشان دادند که دانشجویان شاهد در تعدادی از شاخصهای وضعیت تحصیلی مثل تعداد ترمهای مشروط، معدل تجمعی دانشگاه و تعداد واحدهای گذرانده شده، افت بیشتری را نسبت به گروه غیر شاهد دارند. این افت تحصیلی لزوماً از ورود به دانشگاه شروع نشده است چرا که حتی معدل کل دیپلم دانشجویان شاهد به طور معنی داری پایین تر از دانشجویان غیر شاهد بوده است. نتایج آماری مربوط به میزان دخالت مشکلات و مسائل روانی - اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی دانشجویان شاهد در امور تحصیلی رویهمرفته بیانگر نامناسب بودن زمینهها و شرایط زندگی و تحصیلی آنها می باشد.

مکوندی، نجاریان، شکرکن و لیامی ۱۳۷۲ در تحقیقی عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر شاهد مدارس شاهد را با دانش آموزان غیر شاهد مدارس شاهد و دانش آموزان واجد و فاقد پدر مدارس عادی مورد مقایسه قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داد که بین عملکرد تحصیلی دانش آموزان شاهد مدارس شاهد و دانش آموزان واجد و فاقد پدر مدارس عادی تفاوت معنی داری وجود ندارد. همچنین دانش آموزان غیرشاهد مدارس شاهد عملکرد تحصیلی بهتری نسبت به دانش آموزان شاهد مدارس شاهد و دانش آموزان واجد و فاقد پدر مدارس عادی دارند. محققین مذکور ادعا می کنند که عدم تفاوت بین عملکرد تحصیلی دانش آموزان شاهد و دانش آموزان واجد و فاقد پدر مدارس ابتدائی احتمالاً به این علت است که اولاً نقش مادر در دوران ابتدائی فرزندان تعیین کننده تر از نقش پدر می باشد ثانیاً، خلاء وجودی پدر بوسیله سایر افراد نزدیک خانواده (از قبیل مادر، پدر بزرگ، عمو، دایی و ...) تا حد زیادی جبران می شود. همچنین این نتایج نشان داد که دانش آموزان غیرشاهد احتمالاً معرف جمعیت عمومی دانش آموزان نمی باشند، نتیجه یی که برخی پژوهشها نیز صریحاً به آن اشاره نموده اند (به طور نمونه، نجاریان و قلخانی، ۱۳۷۱). به نظر می رسد که اکثریت دانش آموزان غیرشاهد در مدارس شاهد احتمالاً متعلق به خانواده های قشر مرفه اقتصادی جامعه بوده و واجد خصوصیات فرهنگی - اجتماعی متمایز هستند. لذا جستجوکنندگان این تحقیق پیشنهاد می کنند که در نحوه ی انتخاب دانش آموزان غیرشاهد مدارس شاهد که ۶۰٪ از دانش آموزان این مدارس را تشکیل می دهند دقت نظر بیشتری صورت گیرد و این دانش آموزان از افراد عادی جامعه انتخاب گردند.

### ج - اختلالات رفتاری ناشی از فقدان پدر:

بر اساس دستاوردهای پژوهشی، در مقایسه با خانواده های عادی (از نظر وجود والدین و فرزندان)،



کودکان خانواده‌های تک‌والدی عزت نفس پایین‌تری دارند، در به تأخیر انداختن ارضای نیازها تحمل کمتری دارند، مهارت‌های مقابله اجتماعی آنها پایین‌تر است، و فراوانی رخداد حالات عصبی و خودکشی در آنها بالاتر می‌باشد (فرای<sup>۶</sup>، شر<sup>۷</sup>، ۱۹۸۴، روی و فوکوآ، ۱۹۸۳). فرای و شر (۱۹۸۴) نیز مدعی هستند که کودکان فاقد پدر در بسیاری از ابعاد، به ویژه انگیزه پیشرفت، برتری‌جویی و علاقه به کسب مهارت، پشتکار و استقامت و تحمل وقایع منفی زندگی، نارساییها و ضعفهایی نشان می‌دهند.

رایزن<sup>۸</sup> (۱۹۳۹) با مطالعه در زمینه‌ی دانش‌آموزان دبیرستانی محروم از والدین (یا محروم از یکی از آنها)، به این نتیجه دست یافت که آنان در مقایسه با همکلاسیهای خود، شانس کمتری برای رهبری در میان دیگر همکلاسیها داشتند و احتمال مراجعه‌ی آنها به مشاور مدرسه بیشتر بود. داهل<sup>۹</sup> و مک‌کابی (۱۹۷۶) ضمن مطالعه‌ی زندگی خانواده‌های سربازان فقید در جنگ ویتنام بر روی ۴۵ پسر و ۴۴ دختر از سن ۵ تا ۱۷ سالگی گزارش می‌دهند که این کودکان دارای ناسازگاریهای شخصیتی مثل گوشه‌گیری و تمایلات ضداجتماعی بودند. در همین راستا، ادعا شده است که معمولاً عزت نفس در افرادی که متحمل واکنش سوگ یا داغدیدگی می‌شوند آسیب نمی‌بیند (کاپلان و سادوک<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۰). هرزوغ (۱۹۷۰) اظهار می‌دارد که کودکان محروم از پدر برای تنظیم رفتارهای خود نیازمند آنند که با بزرگسالان مذکری در ارتباط باشند.

نجاریان و پور عوض (۱۳۷۱) با استفاده از «پرسشنامه رفتار کودکان» (راتر<sup>۱۱</sup>، ۱۹۶۷) میزان شیوع اختلالات روانی- رفتاری در دانش‌آموزان شاهد مدارس ابتدائی شاهد اهواز را از دیدگاه معلمان این مدارس بررسی نمودند. مشکلات روانی - رفتاری مورد نظر در این پرسشنامه به طور کلی به گروه اختلالات نوروتیک و اختلالات رفتار ایذایی<sup>۱۲</sup> قابل تقسیم است. نتایج این تحقیق نشان داد که اولاً، اختلالات ایذائی در مقایسه با اختلالات نوروتیک به طور معنی‌داری از میزان شیوع بیشتری برخوردارند. ثانیاً، هیچگونه تفاوت معنی‌داری بین میزان شیوع اختلالات نوروتیک و اختلالات رفتار ایذائی دانش‌آموزان دختر و پسر (اعم از شاهد و غیر شاهد) مشاهده نشد. ثالثاً، دانش‌آموزان شاهد، در مقایسه با دانش‌آموزان غیر شاهد، میزان بیشتری مشکلات روانی - رفتاری دارند.

#### د - مشکلات سازگاری ناشی از فقدان پدر:

پسران فاقد پدر، نسبت به سایر کودکان از سازگاری اجتماعی پایین‌تر و خودپنداری ضعیف‌تری (به لحاظ مهارت‌های اجتماعی) برخوردارند (بارکلی<sup>۳۷</sup>، استیل ول<sup>۳۸</sup>، و بارکلی، ۱۹۷۲). بارکلی و همکاران (۱۹۷۲) نشان داده‌اند که کودکان فاقد پدر در مقایسه با کودکان دارای پدر در مدارس ابتدائی، از طرف معلمان روی بعضی ابعاد شخصیتی و سازگاری فردی و اجتماعی پایین‌تر درجه بندی می‌شوند.

مکوندی، نجاریان، شکرکن و لیامی (زیر چاپ) استفاده از پرسشنامه‌ی سنجش رفتار سازشی<sup>۳۹</sup> (لامبرت<sup>۴۰</sup>، ویندویلر<sup>۴۱</sup>، کل<sup>۴۲</sup> و فیگوتروا<sup>۴۳</sup>، ۱۹۷۴) سازگاری در محیط مدرسه دانش‌آموزان پسر شاهد مدارس ابتدائی شاهد را با دانش‌آموزان پسر واجد و فاقد پدر همان مدارس و سایر مدارس ابتدائی اهواز مورد مطالعه قرار دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که بین سازگاری دانش‌آموزان شاهد با دانش‌آموزان واجد و فاقد پدر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و دانش‌آموزان غیر شاهد مدارس شاهد سازگاری بهتری نسبت به دانش‌آموزان شاهد مدارس شاهد و دانش‌آموزان واجد و فاقد پدر مدرسه عادی دارند. علاوه بر موارد ذکر شده در پیرامون یافته‌های تحقیق مکوندی، نجاریان، شکرکن و لیامی (به قسمت مربوط به مشکلات تحصیلی ناشی از فقدان پدر مراجعه شود)، محققین مذکور ادعا می‌کنند که در توجیه عدم وجود تفاوت دانش‌آموزان شاهد مدارس شاهد با دانش‌آموزان فاقد پدر مدارس عادی می‌وان به دو دلیل احتمالی اشاره کرد. اول این که ممکن است دانش‌آموزان شاهد به خوبی از امکانات موجود در مدارس شاهد استفاده ننموده باشند. دوم این که ممکن است امکانات موجود در مدارس شاهد اصولاً قابل ملاحظه و کافی نبوده باشد. در مورد عدم وجود تفاوت معنی‌دار بین دانش‌آموزان شاهد مدارس شاهد و دانش‌آموزان واجد پدر مدارس عادی می‌توان دو علت احتمالی ذکر کرد: ۱) دانش‌آموزان شاهد مدارس شاهد به علت استفاده از امکانات ویژه و مناسب مدارس شاهد (با وجود شهادت پدر) از نظر سازگاری به سطح دانش‌آموزان واجد پدر مدارس عادی رسیده‌اند و ۲) پدر نقش تعیین‌کننده‌ی در رابطه با سازگاری در محیط مدرسه فرزندان خود ایفا نمی‌کند.

#### ه - مشکلات خلقی ناشی از فقدان پدر:

بدون تردید عوامل بسیاری از قبیل آشفتگی خانوادگی و فقدان پدر که منجر به مشکلات عاطفی در

کودکان می‌شوند، وضعیت تحصیلی و الگوهای روانی - رفتاری آنان را در محیط مدرسه تحت الشعاع قرار می‌دهند (دیمون<sup>۷۴</sup>، ۱۹۷۹، بلانکارد و بیلر، ۱۹۷۱). تحقیقات بسیاری نشان داده‌اند که احتمال بروز علائم افسردگی در کودکانی که یکی از والدین خود را از دست می‌دهند، قابل ملاحظه است (بک<sup>۷۵</sup>، ۱۹۶۷). متون مربوطه نشان می‌دهد که از دست دادن پدر به رخداد بالاتر مشکلات روانشناختی (خصوصاً افسردگی) و ترک تحصیل در کودکان می‌انجامد (روی و فوکوآ، ۱۹۸۳، شین، ۱۹۷۸). لنکستر<sup>۷۶</sup> و ریچموند<sup>۷۷</sup> (۱۹۸۳) نشان داده‌اند که مرگ پدر بیش از طلاق باعث فروپاشی زندگی کودکان می‌شود، و معمولاً بعد از این که پدر از دست می‌رود، جایگاه کنترل کودک جهت‌گیری بیرونی‌تری پیدا می‌کند، و بالطبع قدرت اراده، استقلال و اعتماد بنفس آنها کاهش می‌یابد. ناگفته نماند که هترینگتون و دیور<sup>۷۸</sup> (۱۹۷۱) و هترینگتون و پارک (۱۹۷۵) گزارش می‌دهند کودکان واجد پدر در مقایسه با کودکان فاقد پدر از جنبه‌های مختلف متفاوت هستند. به طور نمونه، کودکانی که پدر خود را در اثر جنگ، طلاق یا حادثه‌های دیگر از دست داده‌اند، در هویت‌یابی نقشهای خود به عنوان زن یا مرد دچار اشکال می‌شوند.

نجاریان، لیامی، شاهدی، سید محمودی و پرفرجی (۱۳۷۰) رابطه بین عزت نفس و افسردگی را در دانش‌آموزان دختر و پسر شاهد دبیرستانهای اهواز مورد بررسی قرار دادند. در تحقیق یاد شده که دو بار با فاصله سه ماه انجام شد، افسردگی آزمودنیها به وسیله پرسشنامه بک<sup>۷۹</sup> (بک، ۱۹۶۷) و عزت نفس آنان به وسیله پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت<sup>۸۰</sup> (کوپر اسمیت، ۱۹۶۷) مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج هر دو تحقیق نشان داد که بین عزت نفس و افسردگی رابطه‌ی معکوس وجود دارد، و بین دانش‌آموزان غیرشاهد و شاهد از لحاظ افسردگی و عزت نفس تفاوت آماری معنی‌داری وجود نداشت. همچنین بین دختران و پسران شاهد به لحاظ میزان علائم افسردگی تفاوت معنی‌داری بدست نیامد.

نجاریان و قلخانی (۱۳۷۱) با استفاده از مقیاس افسردگی کودکان<sup>۸۱</sup> (، تیشر<sup>۸۲</sup> CDS و لنگ<sup>۸۳</sup>، ۱۹۷۸، لنگ و تیشر، ۱۹۸۳، گلزاری، ۱۳۷۱) آثار از دست دادن پدر روی سلامت روانی دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع راهنمایی مدارس شاهد اهواز را مطالعه نمودند. در این پژوهش، هیچگونه تفاوت معنی‌داری بین نمرات دانش‌آموزان شاهد مدارس شاهد و دانش‌آموزان غیرشاهد همان مدارس در مقیاسهای

عزت نفس، احساس لذت و احساس گناه ملاحظه نشد. در صورتی که نمره های دانش آموزان شاهد به طور معنی داری بالاتر از گروه کنترل (غیر شاهد مدارس شاهد) در مقیاسهای پاسخ عاطفی، بیماری/مرگ و مشکلات اجتماعی بود.

نجاریان، لیامی و پاکنژاد (۱۳۷۲) تحقیقی با استفاده از آزمون MMPI<sup>۸۴</sup> (هاتاری<sup>۸۵</sup> و مک کینلی<sup>۸۶</sup>، ۱۹۴۳، اخوت و دانشمند، ۱۳۵۷) وضعیت روانی دانشجویان شاهد دانشگاههای علوم پزشکی و شهید چمران اهواز را با دانشجویان غیرشاهد همان دانشگاهها، مقایسه نمودند. نتایج این تحقیق نشان داد که دانشجویان شاهد نسبت به دانشجویان غیرشاهد، در برخی زمینهها مشکلات بیشتری دارند. براساس این نتایج، دانشجویان شاهد به طور معنی داری افسرده تر از دانشجویان غیرشاهد هستند، و لذا احتمالاً برخی از علائم خلقی پایین، بازداری عاطفی - هیجانی، گوشه گیری و درون گرایی، اختلال در اشتها و خواب، خود مشغولی با وقایع تلخ گذشته، احساس گناه و ناامیدی نسبت به آینده را کم و بیش نشان می دهند. با توجه به این که یکی از رایج ترین نشانه های بالینی افسردگی، پایین آمدن قدرت تمرکز حواس، ضعف در دامنه توجه و کاهش حافظه فرد، و در نتیجه شکوه از ضعف در قدرت فراگیری و نگهداری مطالب تازه می باشد، (DSMIII-R<sup>۸۷</sup>، ۱۹۸۷)، افت تحصیلی ملاحظه شده در دانشجویان شاهد دور از انتظار نیست. همچنین بین نمره های دانشجویان پسر و دختر شاهد در مقیاسهای بالینی MMPI<sup>۸۸</sup> تفاوت معنی داری دیده نشد.

### عوامل تعدیل کننده آثار ناشی از فقدان پدر:

بنظر می رسد که عوامل چندی در تعدیل آثار منفی ناشی از فقدان پدر نقش تعیین کننده ای ایفا می نمایند که مهمترین آنها عبارتند از: جنسیت، سن کودک هنگام از دست دادن پدر، حمایت اجتماعی ارائه شده به کودک، و طول مدت فقدان پدر.

### الف - نقش جنسیت:

نتایج بسیاری از مطالعات نشان می دهد که به لحاظ واکنشهای نابهنجار نسبت به استرس، پسران آسیب پذیرتر از دختران هستند (کلانتری، ۱۹۸۹، راتر، ۱۹۸۳، ولف<sup>۸۹</sup>، ۱۹۸۱). در همین رابطه،

مطالعات لیفشیتز<sup>۹۰</sup> و همکارانش (۱۹۷۷) نشان داده است که پسران بیشتر از دختران تحت تأثیر فوت پدر قرار می‌گیرند. همچنین بر اساس یافته‌های پژوهشی، پسران فاقد پدر بیشتر از دختران علامت افسردگی نشان می‌دهند (روی و فوکوآ، ۱۹۸۳، شین، ۱۹۷۸، بك، ۱۹۶۷) و در رشد اخلاقی نسبت به کودکان خانواده‌های عادی مشکلات بیشتری را تجربه می‌کنند (هافمن<sup>۹۱</sup>، ۱۹۷۱). پتیگوریو<sup>۹۲</sup> (۱۹۶۴) معتقد است پسران فاقد پدر به صورت بارزی رشد نیافته، مطیع و وابسته هستند، و در بزرگسالی این الگوهای رفتاری ممکن است ادامه یابد یا به رفتارهای مردانه اغراق‌آمیز (یا افراطی) تبدیل شوند. بسیاری از تحقیقات نشان داده است که تأثیر غیبت پدر بر دانشجویان پسر نسبت به دانشجویان دختر بیشتر است (گریگوری، ۱۹۶۵) اگر چه دلیل (یا دلایل) این که چرا پسران در رابطه با اکثر اختلالات روانی دوران کودکی آسیب‌پذیرتر از دختران هستند هنوز به طور کامل روشن نیست، ولی ممکن است یکی از علل آن، تفاوت در طرز برخورد‌ها و انتظارات متفاوتی است که والدین و سایر بزرگسالان نسبت به دخترها و پسرها دارند (راتر، ۱۹۸۳).

#### ب - سن کودک هنگام از دست دادن پدر:

به نظر می‌رسد با توجه به این که کودک مفهوم مرگ را معمولاً بین سن ۷ (کوچر<sup>۹۳</sup>، ۱۹۷۴) تا ۹ سالگی درک می‌کند (شعاری‌نژاد، ۱۹۶۴)، سن فرزند به هنگام از دست دادن پدر از جمله عوامل مهم و تعدیل‌کننده آثار فقدان پدر است. در همین راستا، مشخص شده است که غیبت پدر از بدو تولد تا چهار سالگی آثار سوء کمتری نسبت به غیبت وی در سنین ۵ تا ۹ سالگی بر روی فرزندان دارد. سانتروک (۱۹۷۲) دریافت که نبود پدر وقتی در دوره‌های ۶-۹ سالگی زندگی رخ می‌دهد اثر تعیین‌کننده‌تری دارد. لیفشیتز (۱۹۷۷) گزارش کرده است که به خصوص کودکانی که قبل از سن هفت سالگی، پدر خود را از دست داده‌اند، در آگاهی نسبت به جامعه‌ی خود، محدودیت قابل توجهی نشان می‌دهند و ممکن است که بیشتر اوقات خود را به خود مشغولی و تخیلات پردازند تا به واقعیتها. نیکل<sup>۹۴</sup> (۱۹۶۴) ادعا می‌کند که مرگ هر يك از والدین قبل از ۱۵ سالگی زمینه‌ساز ابتلای کودک به افسردگی در سالهای بعد می‌باشد.

### ج - نقش حمایت اجتماعی:

روی و فوکوآ (۱۹۸۳) نشان دادند که ممکن است سیستم حمایت اجتماعی کافی، آثار منفی وضعیت خانواده تک‌والدی را در مورد عملکرد تحصیلی کودکان تعدیل کند. به نظر می‌رسد حمایت اجتماعی موجود برای خانواده‌های تک‌والدی در هنگام از دست رفتن یکی از والدین و بعد از آن، به آنها کمک می‌کند تا به طور کارآمدتری با مشکلات، همراه با پرورش کودکان مقابله کنند (روی و فوکوآ، ۱۹۸۳، شین ۱۹۷۸). بنابراین ممکن است کودکانی که پدرانشان شهید شده‌اند نسبت به آن دسته از کودکانی که پدرانشان را بر اثر سایر عوامل (مثل طلاق) از دست داده‌اند، مشکلات کمتری در زندگی نشان دهند. تعلق و عضویت قومی عامل دیگری است که به نظر می‌رسد با اثرات متمایز نبودن والد همراه باشد (مونتر<sup>۹۵</sup> و بون<sup>۹۶</sup>، ۱۹۸۰). باید متذکر شد که خانواده‌های شهدا ممکن است معرف همی خانواده‌های فاقد پدر نباشند، چرا که خانواده‌های شهدا معمولاً حمایت مالی، عقیدتی، و اجتماعی حایز اهمیت از دولت و وابستگان خود دریافت می‌کنند. بازنگری متون روان‌شناسی نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی، همواره در برابر مصائب، به عنوان عامل تسکین دهنده، تعدیل کننده و حتی تقویت کننده عمل می‌کند (ساراسون<sup>۹۷</sup> و ساراسون، ۱۹۸۷). وضعیت مثبت شبکه‌ی حمایتی خانواده‌ی شهدا سبب شده است که این خانواده‌ها احساس امنیت بیشتری کنند و تا حد زیادی به خود بی‌بالند. ماحصل این موقعیت، تحمل بیشتر فقدان عزیزان و سازگاری بهتر با مشکلات مربوط است. به عبارت دیگر، در صورت عدم ارائه‌ی حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی و گسترده توسط نهادهای اجتماعی ذریع، احتمالاً مشکلات روانی مشاهده شده برای دانشجویان شاهد بیشتر بود (نجاریان، لیامی و پاکنژاد، ۱۳۷۲).

### د - عوارض ناشی از طول مدت فقدان پدر:

بهزادی (۱۳۶۵) در بررسی وضعیت تحصیلی گروهی از دانش‌آموزان شهدا، در مقطع راهنمایی مدارس شیراز نشان داد که طول مدت شهادت رابطه‌ی معنی‌داری با موفقیت یا شکست تحصیلی فرزندان شاهد نداشت. نجاریان، لیامی و سلیمانپور (زیر چاپ) در بررسی عملکرد تحصیلی دانشجویان دختر و پسر شاهد در دانشگاه‌های شهید چمران و علوم پزشکی اهواز نشان دادند که ضرائب همبستگی طول مدت شهادت پدر

با تعداد واحدهای گذرانده، تعداد واحدهای ترم جاری، معدل کل دیپلم و معدل تجمعی دانشجویان شاهد لحاظ آماری به سطح معنی دار نمی‌رسد. همچنین، نجاریان و قلخانی (۱۳۷۱) بین طول مدت غیبت پدر با معدل تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر راهنمایی مدارس اهواز همبستگی معنی داری ندیدند.

نجاریان و قلخانی (۱۳۷۱) دریافتند، که طول مدت از دست دادن پدر همبستگی منفی معنی داری با همه‌ی شاخصهای روان‌شناختی که علایم افسردگی (به جز مقیاس احساس گناه) را در کودکان فاقد پدر می‌سنجید، نشان می‌دهد، در حالی که بین طول مدت فقدان پدر و متغیرهای مربوط به لذت، همبستگی معنی داری وجود ندارد. ممکن است این یافته‌ها دلالت بر این داشته باشند که (۱) علایم افسردگی متعاقب از دست دادن پدر گذرا هستند، و هر چه طول مدت بیشتر باشد کودکان کمتر افسرده می‌شوند (شاید به خاطر مکانیزمهای مقابله‌ی که در نهایت حاصل می‌شوند)، یا (۲) کودکان کوچکتر بهتر از بزرگترها از آثار منفی ناشی از فقدان پدر بهبود می‌یابند. سن کودک در زمان از دست دادن پدر پی‌درپی به عنوان یک متغیر مهم در تعیین این اثرات مورد اشاره قرار گرفته است (بطور نمونه، گلدشتاین، ۱۹۸۳).

نجاریان، لیامی و پاکنواد (۱۳۷۲) نشان دادند که هیچگونه رابطه‌ی معنی داری بین طول مدت شهادت پدر با نمرات دانشجویان شاهد دانشگاههای اهواز در مقیاسهای بالینی آزمون وجود ندارد. این یافته غیر منتظره بود چرا که تحقیقات نشان داده بود که بین مشکلات روانی دانش‌آموزان شاهد و طول مدت شهادت پدر همبستگی منفی معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه طول مدت شهادت پدر بیشتر باشد، دانش‌آموزان شاهد از سلامت روان بیشتر و بهتری برخوردارند (مراجعه شود به تحقیق نجاریان و قلخانی، ۱۳۷۱).

مکوندی، نجاریان، شکرکن و لیامی (۱۳۷۲) در تحقیقی تحت عنوان «مقایسه عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر شاهد با دانش‌آموزان پسر واجد و فاقد پدر در مدارس ابتدائی اهواز ادعا می‌کنند که ضرائب همبستگی بین طول مدت شهادت و معدل پایه‌های تحصیلی دانش‌آموزان شاهد نشان دادند که در سال اول دبستان هرچه طول مدت شهادت (یا فقدان پدر) بیشتر باشد، معدل تحصیلی دانش‌آموزان شاهد پایین‌تر است. در همین مورد، راتر معتقد است که از دست دادن یکی از والدین بخصوص در سنین دو یا سه سالگی بسیار زیان‌آور است، زیرا در این دامنه‌ی سنی، کودک بیشترین وابستگی را به پدر و مادر خود دارد (به نقل از کتاب کودک و فشارهای روانی، تألیف سولاولف، ترجمه مهدی قراچه داغی، ۱۳۶۹، صفحه ۹۶-۹۵).

بر اساس یافته‌های تحقیق مکوندی، نجاریان، شکرکن و لیامی (زیر چاپ)، هرچه طول مدت شهادت پدر کمتر باشد، رفتارهای بیش فعالی و رفتارهای اجتماعی نامناسب دانش‌آموزان مدارس ابتدایی بیشتر می‌شود. همچنین در مورد دانش‌آموزان فاقد پدر مدارس عادی، بالاترین ضریب همبستگی در گرایش بیش فعالی و رفتار قالبی و اطوار عجیب دیده شد. به عبارتی، در دانش‌آموزانی که پدرانشان شهید یا فوت شده‌اند، با گذشت زمان (طول مدت فقدان) سازگاری آنان در محیط مدرسه بهتر می‌شود. ولی دانش‌آموزانی که مسئله‌ی شهادت (یا فوت پدر) را به تازگی تجربه نموده‌اند، چندان سازگاری در محیط مدرسه نشان نمی‌دهند.

#### جمع بندی:

نتایج بدست آمده از بیشتر تحقیقات انجام شده در خارج از کشور، نشان می‌دهد که پدر نقش تعیین کننده‌ی بر روی متغیرهایی چون هوش، وضعیت تحصیلی، اختلالات رفتاری، مشکلات سازگاری، و مشکلات خلقی فرزندان بجای می‌گذارد. همچنین، یافته‌های پژوهشی بیانگر نقش تعدیل کننده‌ی عوامل گوناگونی از جمله، جنسیت، سن کودک هنگام از دست دادن پدر، نقش حمایت اجتماعی، و طول مدت فقدان پدر، در میزان تأثیر فقدان پدر روی وجوه مختلف شخصیتی و رفتاری کودکان می‌باشد. بنظر می‌رسد حمایت اجتماعی ارائه شده از سوی جامعه (به ویژه بنیاد شهید) به خانواده‌های شاهد و همچنین با توجه به مبانی فرهنگی - اعتقادی جامعه ایران، نتایج بدست آمده از بعضی تحقیقات انجام شده در ایران مبین عدم وجود تفاوت‌های معنی داری در برخی از حیطه‌های مختلف بین فرزندان شاهد و کودکان غیرشاهد می‌باشد.

#### پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی در ایران:

۱- پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آتی از دانش‌آموزان طرح پراکنده شاهد که در مدارس عادی مشغول به تحصیل هستند برای مقایسه با دانش‌آموزان فاقد پدر مدارس عادی و دانش‌آموزان شاهد نمونه‌ی انتخاب شود. البته به علت تعداد محدود دانش‌آموزان شاهد مشغول به تحصیل در مدارس عادی، رعایت این نکته معمولاً امکان‌پذیر نیست.

۲- پیشنهاد می‌شود که برای بررسی دقیق‌تر آثار ناشی از فقدان پدر، نمونه‌ی از دانش‌آموزان غیرشاهد فاقد پدر مدارس شاهد، برای مقایسه دانش‌آموزان فاقد پدر مدارس عادی و دانش‌آموزان شاهد مدارس شاهد



انتخاب گردد.

۳- پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آتی، هوش و انگیزه‌ی پیشرفت دانش‌آموزان شاهد نیز مورد بررسی قرار گیرد تا علل احتمالی وجود تفاوت‌های میان دانش‌آموزان شاهد با دانش‌آموزان غیرشاهد مدارس شاهد و دانش‌آموزان واجد و فاقد پدر مدارس عادی در زمینه‌های تحصیلی دقیق‌تر بررسی شود.

۴- پیشنهاد می‌شود که برای بررسی دقیق عوامل مؤثر در وضعیت تحصیلی فرزندان شاهد، وضعیت هوشی، تحصیلی و سلامت روانی مادران آنان نیز مورد ارزیابی قرار گیرد.

۵- پیشنهاد می‌شود که در صورت امکان، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان شاهد قبل و پس از شهادت پدر با یکدیگر مقایسه شود تا تأثیر از دست دادن پدر به طور دقیق‌تری بررسی شود. بدیهی است در این صورت، باید از گروه کنترل مناسب دیگری نیز برای مقایسه با گروه دانش‌آموزان شاهد استفاده شود.

★ پانوشتها:

- 1- Parish
- 2- Kaplan
- 3- Shinn
- 4- Bane
- 5- Goldstein
- 6- Roy
- 7- Fugua
- 8- Adams
- 9- Freud
- 10- Lindeman
- 11- Bowlboy
- 12- Fried
- 13- Parkes
- 14- Maddison
- 15- Viola
- 16- Rees
- 17- Lutkins
- 18- Biller
- 19- Meredith
- 20- Meerloo
- 21- Sullivan

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- 22- Kotelchuk
- 23- Stetler
- 24- Sutherland
- 25- Dutsch
- 26- Browns
- 27- Cortes
- 28- Fleming
- 29- Herzog
- 30- Sudia
- 31- Kelly
- 32- Wallerston
- 33- Atkinson
- 34- Ogston
- 35- Chapman
- 36- Oshman
- 37- Manosewits
- 38- Dostal
- 39- Taylor
- 40- Santrock
- 41- Crescimbein
- 42- Hetherington
- 43- Parke
- 44- Blanchard
- 45- Bain
- 46- Boersma
- 47- Gregory
- 48- Smith
- 49- Nelson
- 50- MacCoby
- 51- Collins
- 52- Grunebaum
- 53- Hurwith
- 54- Prentice
- 55- Sperry
- 56- Carlsmith
- 57- Sutton-Smith
- 58- Rosenberg
- 59- Landy
- 60- Fry
- 61- Scher
- 62- Risen
- 63- Dahl
- 64- Sadock
- 65- Rutter
- 66- Disruptive Behavior Disorders
- 67- Barclay
- 68- Stilwell
- 69- Adaptive Behavior Scale



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- 70- Lambert
- 71- Windwiller
- 72- Cole
- 73- Figueroa
- 74- Damon
- 75- Beck
- 76- Lancaster
- 77- Richmond
- 78- Deur
- 79- Beck's Depression Scale
- 80- Coopersmith's Self-Esteem Scale
- 81- Children's Depression Scale
- 82- Tisher
- 83- Lang
- 84- MMPI (Minnesota Multiphasic Personality Inventory)
- 85- Hathaway
- 86- Mckinley
- 87- DSM III-R (Diagnostic and Statistical Manual for Mental Disorders)
- 88- Clinical Scales
- 89- Wolff
- 90- Lifshitz
- 91- Haufman
- 92- Peticgrew
- 93- Koocher
- 94- Nickle
- 95- Montare
- 96- Boone
- 97- Sarason



## فهرست منابع:

### الف) فارسی:

- اخوت، ولی‌ا... و دانشمند، لقمان (۱۳۵۷). ارزشیابی شخصیت. انتشارات دانشگاه تهران: تهران..
- باقری، خسرو و عطاران، محمد (مترجمان) (۱۳۷۰). روانشناسی کودکان محروم از پدر. تألیف آدامز، میلتر، و شریف، چاپ اول. انتشارات تربیت: تهران.
- براهنی، محمد نقی و همکاران (مترجمان) (۱۳۶۷). زمینه روانشناسی. تألیف اتکینسون، ریتال، اتکینسون، ریچارد اس، و هیلگارد، ارنست، چاپ اول. انتشارات رشد: تهران.
- بهزادی، مهین (۱۳۶۵). بررسی وضعیت تحصیلی گروهی از فرزندان معظم شهدا در دوره راهنمایی در مدارس شیراز. رساله فوق لیسانس، دانشگاه شیراز.
- خدیبوی زند، محمد مهدی (۱۳۶۶). گزارش پژوهشی در آسیب‌شناسی روانی و رفتاری مادران و فرزندان شهدا. سخنرانی ارائه شده در سمینار ستادهای تربیتی خراسان، مرکز تربیت معلم شهید خورشیدی، آبان ۱۳۶۶، مشهد.
- راتر، مایکل (۱۹۸۳). نقل از مقاله عوامل مؤثر بر بهداشت روانی فرزندان شهدا. مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان. جلد سوم، شماره‌های ۱ و ۲، صفحه ۱۰۶-۹۷.
- سپهوندی، محمد علی، شکرکن، حسین، لیامی، فاطمه، و مراقی، شهلا (۱۳۶۷). بررسی مسائل و مشکلات تحصیلی، رفتاری، خانوادگی، اجتماعی فرزندان معظم شهدا، اسرا، مفقودین و جانبازان شهرستان اهواز. رساله تحصیلی جهت اخذ لیسانس، تهیه و خلاصه در مرکز مطالعات رفتاری، معاونت مطالعات و تحقیقات معاونت نیروی انسانی نیروی زمینی سپاه پاسداران.

شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۶۴). روانشناسی رشد. تهران: انتشارات اطلاعات.

قراچه داغی، مهدی (مترجم) (۱۳۶۹). کودک و فشارهای روانی. تألیف سولاولف، چاپ اول. انتشارات رشد: تهران.

کلاتری، مهرداد (۱۳۶۹). عوامل مؤثر در بهداشت روانی فرزندان شهدا. مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد سوم، شماره‌های ۱ و ۲، صفحه ۱۰۶ - ۹۷.

گلزاری، محمود (۱۳۷۱). آماده سازی وسیله‌ای برای سنجش افسردگی کودکان. پایان‌نامه جهت اخذ فوق‌لیسانس روانشناسی بالینی. انستیتو روان پزشکی تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران.

مکارمی، آذر، خداحیمی، سیامک، پورعوض، عصمت، زحل نژاد، لیلا، و حامدی، عبدالحسین (۱۳۷۰). مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مدارس شاهد و مدارس عادی شیراز. مرکز مشاوره پرورشی شاهد: شیراز.

مکوندی، بهنام، نجاریان، بهمن، شکرکن، حسین، و لیامی، فاطمه (۱۳۷۲). مقایسه عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر شاهد با دانش‌آموزان پسر واجد و فاقد پدر در مدارس ابتدایی اهواز، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال نهم، شماره ۲، تابستان، ۴۳-۶۰.

مکوندی، بهنام، نجاریان، بهمن، شکرکن، حسین، و لیامی، فاطمه (زیر چاپ). مقایسه سازگاری دانش‌آموزان پسر شاهد با دانش‌آموزان پسر واجد و فاقد پدر در مدارس ابتدایی اهواز. مجله پژوهش‌های روانشناختی.

میرلو (۱۹۶۸)، بولبی (۱۹۵۸)، سولیوان (۱۹۷۲)، نیکل (۱۹۶۴)، رایزن (۱۹۶۴)، هرزوغ (۱۹۸۰)، اسمیت (۱۹۶۸، ۱۹۶۹)، و کالینز (۱۹۶۹)، نقل از کتاب روانشناسی کودکان محروم از پدر. تألیف

آدامز، میلنر، و شریف، ترجمه باقری و عطادان (۱۳۷۰). چاپ اول. انتشارات تربیت: تهران.

نجاریان، بهمن، اصغری مقدم، محمد علی، و دهقانی، محسن (مترجم) (۱۳۷۱). روانشناسی مرضی. تألیف ساراسون، آی.جی. و ساراسون، بی.آر. چاپ اول. انتشارات رشد: تهران.

نجاریان، بهمن و پورعوض، معصومه (۱۳۷۱). بررسی میزان شیوع اختلالات روانی-رفتاری در دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد مدارس ابتدائی شاهد اهواز (از دیدگاه معلمین این مدارس). مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، سال سوم، شماره ۷ و ۸، صفحه ۲۲-۱۲.

نجاریان، بهمن، لیامی، فاطمه، شاهدی پایکیاده، عیسی، سیدمحمودی، عبدالعلی، و پورفرجی، سید فرج (۱۳۶۹). بررسی رابطه بین عزت نفس و افسردگی دانش‌آموزان شاهد دبیرستانهای شهر اهواز. فصلنامه تعلیم و تربیت، سال هفتم، شماره ۱، ۵۳-۶۸.

نجاریان، بهمن و قلخانی، شهناز (۱۳۷۱). اثرات از دست‌دادن پدر روی سلامت روان و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان شاهد مدارس و راهنمایی اهواز. مقاله ارائه شده در دومین کنفرانس سالانه «ارتقاء بهداشت روانی» در انگلیس، دانشگاه کیل، ۲۸ لغایت ۳۰ سپتامبر.

نجاریان، بهمن، لیامی، فاطمه و پاکتژاد، محسن (۱۳۷۲). بررسی ویژگیهای شخصیتی دانشجویان شاهد دانشگاههای شهید چمران و علوم پزشکی اهواز. مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد پنجم، شماره های ۲ و ۱، ۱۵۳-۱۶۸.

نجاریان، بهمن، لیامی، فاطمه و سلیمانپور، مهدی (زیر چاپ). بررسی وضعیت تحصیلی دانشجویان شاهد دانشگاههای شهید چمران و علوم پزشکی اهواز. مجله علوم اجتماعی و انسانی شیراز، دوره نهم، شماره اول، پائیز، ۲۱-۱.

(ب) انگلیسی:

- APA. (1987). Diagnostic and statistical Manual for Mental Disorders (DSM III-R) APA: Washington D.C.
- Atkinson, B.R. and Ogston, D.C. (1974). The effect of father absence on male children in the home and school. *Journal of School Psychology*, 12(3), 213-221.
- Bain, H.C., Boersma, F.J. and Chapman, J.W. (1983). Academic achievement and locus of control in father absent. *Elementary School Children*. *School Psychology International*, Vol. 4, 69-78.
- Bane, M.J. (1976). Marital disruption and lives of children. *Journal of Social Issues*, Vol. 32, 103-117.
- Barclay, J.R. Stilwell, W.E. , and Barclay, L.K. (1972). The influence of parental occupation on social interaction measures on elementary school children. *Journal of Vocational Behavior*, Vol. 2, 433-445.
- Beck, A.T. (1967). *Depression: Clinical, Experimental and Theoretical Aspects* Harper and Row: New York.
- Biller, H.B. and Meredith, D.L. (1975). *Father Power*. Doubleday: Garden City, New York.
- Blanchard, R.W. and Biller, H.B. (1971). Father availability and academic performance among third-grade boys. *Developmental Psychology*, Vol.4, 301-305.
- Bowlby, J. (1960). Grief and mourning in infancy and early Childhood. *Psychoanalytic Study of the Child*, Vol. 15, 9-52.
- Carlsmith, L. (1964). Effect of early father absence on scholastic aptitude. *Harvard Education Review*, 34(1), 3-21.
- Chapman, M. (1977). Father absence, stepfather, and the cognitive performance of college students. *Child Development*, Vol. 48, 1155-1158.
- Coopersmith, S. (1967). *The Antecedents of Self-Esteem*. Freeman: San Francisco.
- Cortes, C.F. and Fleming, E.S. (1968). The effects of father absence on the adjustment of culturally disadvantaged boys. *Journal of Special Education*, Vol. 2, 413-420
- Crescimbein, J. (1965). Broken homes do affect academic achievement. *Child and Family*, 4(2), 224-28.
- Dahl, B. and MacCoby, E.F. (1976). Prolonged family separation in the military: A

longitudinal study. Families in the Military System. Sage publications: Bever Hills, CA.

Damon, P. (1979). When the family comes apart: What schools Can do. The National Elementary principal, October, 66-75.

Deustsh, M. and Brown, B. (1964). Social influences in Negro-White intelligence differences. The Journal of Social Issues, Vol. 30, 2-35.

Duke, M. and Lancaster, W. (1974). A note on locus of control as a function of father absence. Journal of General Psychology, Vol. 129, 335-336.

Freud, S. (1917). Mourning and Melancholia. In The Standard Edition of the Complete Works of Sigmund Freud, Vol. 14. (ed.j. Strachey). Hogarth: London.

Fried, M. (1962). Grieving for a lost home. In L.J. Duhl (Ed.) The Environment of the Metropolis, (ed. by L.J. Duhl). Basic Books: New York.

Fry, D.S. and Scher, A. (1984). The effect of father-absence on children's achievement motivation, ego strength and locus of control orientation: A five-year longitudinal assessment. British Journal of Development Psychology, 2(2), 167-168.

Goldstein, H.S (1983). Fathers's absence and cognitive development of children over a 3 to 5-year period. Psychological Report, Vol. 52, 971-976.

Gregory, I. (1965). An introspective data following childhood loss of parent delinquency and high school dropout. Archives of General Psychiatry, Vol. 13, 99-109.

Grunebaum, M.G., Hurwith, I., Prentice, N.M., and Sperry, B.M. (1962). Fathers of sons with primary neurotic learning inhibition. American Journal of Orthopsychiatry, Vol. 32, 462-473.

Hathaway, S.R. and Mckinley, J.C. (1943). Minnesota Multiphasic Personality Inventory (MMPI), Manual for Administration and Scoring. Psychologic Corporation: New York.

Herzog, J.D. (1974). Father absence and boy's school performance in Barbados. Human Organization, Vol. 33, 71-83.

Herzog, E. and Sudia, C.E. (1973). Children in fatherless families. In B.M. Caldwell and H.N. Ricciuti. Review of Child Development Research, Vol. 3, 177-182.

Hetherington, E.M. and Deur, J. (1971). The effect of father absence on child development. Young Children, Vol. 26, 23-248.



Hetherington, E.M. and Parke, R.D. (1975). *Child Psychology*, McGraw-Hill: New York .

Hoffman, M.L. (1971). Father absence and conscience development. *Developmental Psychology*, 4(3), 400-406.

Kalantari, M. (1989). *Conduct Disorders in preschool Children*. Unpublished Ph. D. Thesis, University of London , London.

Kaplan, H.I. and Sadock, B.J. (1990). *Clinical psychiatry*. Williams and Wilkins: London.

Kelly, J.B. and Wallerston, J.S. (1980). *Surviving the Breakup: How Parents and Children Cope with Divorce*. Basic Book: New York.

Kotelchuk, M. (1976). The infant's relationship to the father: Experimental evidence. In Lamb, M. (ed.), *The Role of the Father in Child Development*. Wiley: New York.

Koocher, G. (1974). Talking with children about death. *American Journal of Orthopsychiatry*, Vol. 44, 404-411.

Lambert, N., Windwiller, M., Cole, L., and Figueroa, R. (1974). *AAMD Adaptive Behavior Scale, Public School version, (1974, Revision)*. University of California Berkeley.

Lancaster, W.W. and Richmond, R. O. (1983). Perceived locus of control as a function of father- absence, age, and geographic location. *Journal of Genetic Psychology*, Vol. 143, 51-56.

Lang, M. and Tisher, M.(1983). *Children Depression Scale*. ACER: Australia.

Lifshitz, M. Berman, D, Galili, A., and Gilad, D. (1977). Bereaved children; The effect of mother's perception and social system organization on their short- range adjustment. *Journal of American Academy of Child Psychiatry*, Vol. 16, 272-284.

Lindemann, E.(1944). Symptomatology and management of acute grief. *American Journal of psychiatry*, vol. 101, 141-8.

Maddison, D. and Viola, A.(1968). The health of widows in the year of following bereavement. *Journal of psychosomatic Research*, vol. 12, 297.

Montare, A. and Boone, S. L. (1980). Aggression and parental absence racial- ethnic differences among innercity boys. *The Journal of Genetic Psychology*, 137(2) , 223-232.

National Association of Elementary School Principals (1980) . *One- Parent Families and their children: The School's most significant minority*. *Principal*, 31-36.

Nelson, E.A. and MacCoby, E.F. (1966). The relationship between social development and differential abilities on the Scholastic Aptitude Test. Merrill Palmer Quarterly of Behavior and Development, 12(4), 269- 284.

Oshman, H. P. and Mancseviz, M. (1979). Father absence: Effects of stepfathers upon Psychological development in males. Developmental Psychology, Vol. 12, 479-480.

Parkes, C.M. (1972). Bereavement: Studies of Grief in Adult Life. Penguin Books: New York.

Parkes, C.M.(1964). Recent bereavement as a cause of mental illness. British Journal of Psychiatry, Vol. 110, 198-204.

Parish, T.S. and Dostal, J. W. (1980) . Evaluation of self and Parent figures by children from intact, divorced, and reconstituted families. Journal of Youth and Adolescence, Vol. 8, 427-432.

Parish, T. S. and Taylor, J.C. (1979). The impact of divorce and subsequent father absence on children's and adolescent's self- concept. Journal of Youth and Adolescence, Vol. 8,427- 432.

Parish, T.S. and Copeland, T.F. (1980). Locus of control and father loss. The Journal of Genetic Psychology, Vol.136,147-148.

Peticgrew,T. (1964). A Profile of the Negro American. Van Nostland: New York.

Rees, w.d. and Lutkins,S.G.(1976). Mortality of bereavement. British Medical Journal, Vol.4,13-16.

Roy, C.M.and Fugua, D.A.(1983). Social support may mediate effects of single-parent performance. The School Chancellor, January, 183-190.

Rutter, M.(1967). A Children's Behavior Questionnaire for completion by teachers: Preliminary findings. Journal of Child Psychology, Vol. 8,1-11.

Santrock,K.J.W.(1972). The selections of type and onset of father absence to cognitive development. Child Development, Vol.43,455-469.

Santrock, K.J.W.(1972).Relation of type and onset of father absence to cognitive development. Child Development, Vol.43,455-469.

Shinn, M.(1978). Father absence and children's cognitive development. Psychological Bulletin, 85(2), 295-324.

Stetler,H.G. (1959). Comparative study of Negro and White dropouts in selected Connecticut high schools. State of Connecticut Commission on Civil Rights (Eric. Document Reproduction Service No. ED 020211).

Sutherland, H.E.G. (1930). The relationship between IQ and size of family in the case of father-less children. *Journal of Genetic Psychology*, Vol. 38, 161-170.

Sutton-Smith, B., Rosenberg, B.G., and Landy, F. (1968). Father absence effects in families of different sibling composition. *Child Development*, Vol.





پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی